

نشریه

# پیام دانشجو

ارگان رسمی دانشجویان دانشگاه

وابسته به جبهه ملی ایران

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۹ - تک شماره ۴ ریال

## هشدار

فاجعه یکم بهمن درنمای ۴ ماه پیش قرار دارد و از آن روز تاکنون گروهی از ارزنده ترین دانشجویان جبهه ملی اسیر و بندی دژ خیمانند مشکل می توان دریافت که چرا اینان در بند مانده اند. آیا جرمشان جز عشق با آزادی ملت و کوشش برای اجرای قانون چیز دیگری هم بوده است؟

جلادها به چه می اندیشند؟ بند کردن اینان می تواند مبارزه را کهنه تر سازد و با تردید و نزلزل دردل سربازان جبهه بوجود آورد؟ اگر چنین است اشتباهی بزرگتر از اول بهمن را مرتکب می شوند.

نه برای آنان که در زندانند و نه برای ما که بظاهر آزادیم این نمی تواند سبب کنندی یا تردید در نبرد باشد آنها می دانند که مبارز از زندان نمی هراسد و هر چه در بند بماند پولادی است که آبدیده تر می شود و مامی دانیم که قربانی کردن صدها و صدها برای نهضت یک ملت مسئله مهمی نیست.

الجزایر نمونه رودر روی ماست. ولی دیکتاتورها باید بدانند که در بنده ماندن دانشجویان خشم را دردل ما افزون و کینه را از حسد بیرون خواهد کرد و بدینسان گوری که برایشان کنده خواهد شد عمیق تر و وحشتناکتر خواهد بود.

دیکتاتورها باید از یاد نبرند که زندانیان ۴ هزار دانشجوی خشمگین را با قلبی آکنده از مهر برادران خود و ملو از نفرت نسبت به دستگاه پست سردارند و اگر در بنده ماندن دانشجویان ادامه یابد مشکل می توان راه این خشم و نفرت را بست و بآن اجازه نمود و اظهار نداد.

و اینجاست که حتی ورود چتر بازو ژاندارم به دانشگاه نیز آخرین راه حل مسئله نیست هم چنانکه نبود.

این هشدار باشی است برای دستگاه و برای جلادها - برای شما دلیران زندانی سلام گرم با همه غرور و دوستی و برای شما دیکتاتور هانک با همه نفرت و خشم

## زندانیان سیاسی

هنوز گروهی از رهبران و اعضاء جبهه ملی در زندانهای حکومت کودتا بسر میبرند اکنون نزدیک به چهار ماه از زندانی کردن غیر قانونی این افراد میگذرد و حکومت آزادیکش اقدامی بقیه در صفحه ۳

## مردم حق شناس جوادیه

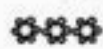
در این هنگام که پس از ۸ روز «اردوی کار دانشجویان» بکار خود پایان میدهد از صمیم قلب از فداکاری و حق شناسی شما تشکر می کنیم و با آرزوی موفقیت شما در استان را گرم و صمیمانه می فشریم.

ما در ضمن کار خود با کارشکنی ها و اشکالات فراوانی روبرو بوده ایم که از نظر تیزبین شما مردم هشیار دورنمانده است. کوشش برای آنکه ما در میان مردم نباشیم و بخاطر شما نکوشیم بجائی نرسید و هیچیک از این عوامل نتوانست اراده دانشجویان را برای خدمت بشما درهم بشکند خوشبختانه کار ما با موفقیت بیابان میرسد و این در سایه کمک و محبت بیدریغ شما مردم محروم و مستمیده است.

کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی

یادداشت:

مقاله زیر مقدمه ایست بر سلسله مقالاتی تحت عنوان «کارنامه ۸ سال خیانت» که نشریه پیام دانشجو از شماره های آینده به نشر آن مبادرت خواهد کرد.



## فهرست پیوسته

### «کارنامه ۸ سال خیانت»

همانطور که هموطنان ما بخاطر دارند بعد از استقرار رژیم کودتا در ایران و بر مسند نشستن قزاقی بنام زاهدی اعلام گردید که در مدتی کمتر از یکسال کشور ما بهشت برین خواهد شد. نفت فروخته میشود و درآمد حاصله از آن در جهت منافع ملی ما جریان خواهد یافت کمکهای خارجی اقتصاد ما را تثبیت خواهد نمود و در آن صورت خواهیم توانست ایران را در ردیف کشورهای پیشرفته و غنی قرار دهیم یکسال و چندماه گذشت نفت فروخته شد و سیل کیسه های دلار و لیره بعنوان نازشت بطرف مرزهای مسا

## بدین هنگام پلهای دانشجویان را بنام «ملت» با احترام «قانون» و برای «آزادی» افتتاح میکنیم

این خلاصه ایست از یادداشت های یکم هفته کار در اردوی دانشجویان که بصورت یک رپرتاژ از اردو تنظیم شده است.

از روی پلی که راه آهن تهران از زیر آن می گذرد وقتی گذشتید به شهر جدیدی وارد می شوید. جوادیه شهر ناشناسی است که تهرانی های شمال شهر تنها از آن نامی شنیده اند.

جوادیه شهری است با خانه های کوچک و محقر بیشتر گلی و کمتر آجری، چند خیابان اسفالت کرده و چندین صد خیابان و کوچه خاک. با فاصله تقریبی صد متر بسمت جنوب غربی از خیابانی که به کشتارگاه منتهی می شود نهر فیروز آباد جریان دارد این نهر در جوادیه قریب یک کیلومتر و نیم امتداد دارد و از این مسافت تنها نزدیک ۵۰ متر آن سرپوشیده است. قسمتی از فاضل آب تهران که شامل قسمت اعظم کتابفات شهر می شود و قسمتی از آب بارانی که در تهران جاری میشود در این نهر جریان می یابد. بقیه در صفحه ۲

یادآوری: این کتاب از طرف مقامات انتظامی جمع آوری شده است

تالیف: حسن صدر، تهران اسفند ۱۳۴۰ - چاپخانه موسوی قطع ربعی در ۱۲۴ ص - ۶۰ ریال

## الجزائر و مردان مجاهد

سینه تاریخ آکنده از دلاوریهای مردان مبارز و قیام های دلیرانه است، اما داستان دلیریهای بزرگ مردان الجزایری رنگی دیگر دارد.

درین قیام خون و آتش از یکسو همراه با درایت و روشن بینی، برنامه و هدف از سوی دیگر است قیام دلیرانه الجزایریان قیام یرشکوهی است که در آن هماهنگی خاص از لحاظ نظر و عمل سیاست و تدبیر، جنگ و آشتی وجود داشته و تا هم اکنون نیز وجود دارد همین امر است که موجب شد این داستان که بطور غم انگیز ورق آوری با کشتار راد مردان بزرگ آغاز شه بود پایانی خوش و پیروز مندانه داشته باشد.

درباره این مبارزه سهمگین که مردان مبارز الجزیره ای علیه قلداری و زور آغاز کردند مقاله و کتاب فراوان نگاشته اند.

دروطن مانیز تقریباً همزمان با پیروزی بزرگ مردم الجزیره کتابی از حسن صدر بنام «الجزائر و مردان مجاهد» نشر یافته است. روشن است که این کتاب همانطور که نخستین کتاب نیست، آخرین کتاب هم نخواهد بود و بی شک مولف آن هم مدعی نیست که بهترین کتاب را درین زمینه برشته تحریر در آورده است.

کتاب مجموعه چندین مقاله بی دردی است که نویسنده بهنگام اقامت درباریس (اواخر سال ۳۹) از «نتیجه مطالعات و مشاهدات» خود درین زمینه کرده آورده است.

آنطور که از مطالعه کتاب بر می آید نویسنده در صدد آن نبوده است که تاریخی از مبارزه قهرمانان الجزایری بپردازد و یا از چگونگی این مبارزه آنسان که یک مورخ سخن میگوید گفتگو کند. دلاوریهای این قهرمانان زمان ما در کنار وحشیگریهای مدعیان تمدن دل وی را بدر آورده است، گزارش احوال ملک و ملت خودش نیز در ذهن وی با آنچه درباره الجزائر دیده و

# دکتر مصدق پیشوای زندانی ملت را آزاد کنید



## بقیه بنام ملت

در طول این نهر تقریباً ۱۴ پل وجود دارد (از آن نظر کلمه تقریباً بکار میرود که بعضی از اینها را هر نامی می توان داد جز پل. زیرا اکثر اینها از سطح آب نهر که کف آن بنا بکفته مردم جوادیه سالهاست لارویی نشده ۸۰ سانتیمتر ارتفاع دارد و طبیعی است یک باران ناکهانی بهاری نظیر آنچه اتفاق افتاد و یا بارش بطور طبیعی زمستانی همه جوادیه را بویرانی و نابودی تهدید می کند.

جمعیت جوادیه از ۸۰ هزار نفر متجاوز است از لحاظ بهداشتی برای همه این جمعیت یک درمانگاه وجود دارد که آنهمه بطور مرتب پزشک دارد و نه باندازه کافی دارو. نکته جالب آنکه در دکانهای جوادیه شیر وجود ندارد و یا فوق العاده کم است و شاید این نمونه برای نشان دادن سطح بهداشت در جوادیه کافی باشد.

### اردو

اردوی دانشجویان روز ۵ شنبه ۱۳ اردیبهشت برای کمک بسیل زدگان وارد این منطقه شد. این اردو که ما موریت مستقیم از سوی هیئت اجرایی جبهه ملی ایران داشت از سه اکیپ تشکیل می شد! کادر فنی، کادر بهداشتی، کادر اداره کننده و تدارکات ساعت ۱۰ صبح وقتی نگاه می کردید صداها و صداهای دانشجویان را در حالیکه چهرشان از شوق تصمیم و چشم هایشان از برق کینه نسبت به مسببین فقر و بدبختی ملت مملو بود می دیدید که کلنگ هایشان را بالا می بردند و بر زمین می کوبند تا نهر عرضی تر بشود و یا بایلدوشن کشت نهر را لارویی می نمایند تا آب بهتر و بیشتر جریان یابد.

دسته ای پل آجری یک قسمت را که جلوجریان طبیعی آب را میگرفت خراب می کردند و آنطرفتر در منتهی الیه اردو دانشجویان با کوشش بی نظیری پایه های یک پل خرابه را درهم می شکستند آفتاب با قدرت هر چه تمامتر می تابید و دسته ای از دختران دانشجوی برای برادران خود آب می بردند تا تشنگی شان را در حرارت آفتاب فرو بنشانند تعریض نهر فیروز آباد لارویی آن و ساختمان سه پل برنامه فنی اردو را تشکیل میداد.

در محوطه اردو یک درمانگاه موقت بطور رایگان بیمار می پذیرفت و دارو رایگان میداد آنطرفتر خواهران دانشجوی وسایل نهار برادران دانشجوی خود را فراهم میکردند. غذا از نان و پنیر و خرما مرکب می شد.

آنطرفتر هم انبوهی از مردم جوادیه با حیرتی عمیق و اعجابی ناشکفته باین خروش و جنبش ناکهانی می نگریستند زیرا اینجامرداب عمیقی بود که هیچ باران تازه و یا چشمه ساری با آب صاف سکون و سکوتش را برهم نمی زد. اینها آنقدر آب تیره و لجن دیده بودند که دیدن آب های صاف و درخشان برایشان بهت و حیرت می آورد. یک سکوت آمیخته با تردید و شاید اندکی تحیر برایشان حاکم شده بود ولی قلب صدها دانشجوی که دست بکار گل شده بودند آنقدر محبت و یگانگی در خود داشت که بزودی وجود همه این انسانها را از فریاد و شکر فانی مملو سازد.

وقتی دانشجویان با صوت سرپرستان اردو برای نهار برمی گشتند نظم اردو نشان یک تصمیم و شوق وافی برای ادامه کار بود.

کار در روز اول اردو ساعت ۶ پایان رسید. دانشجویان با چهره های مصمم و آفتاب خورده، بیل، کلنگ، چکمه و لباس های کار را تحویل می دادند. میرفتند تا فردا با نیروی افزونتر و امیدوی بیشتر باز کردند.

### کار شکنی

امروز جمعه بود دستگاہ بتکاپو افتاده بود تا جلوجریان عظیمی را که سکون و سکوت جوادیه را در هم می شکست بگیرد... زیرا اگر جریان ادامه

می یافت، اگر این ۸۰ هزار انسان علت بدبختی خود را در می یافتند... اگر اینها میدانستند که دانشجوی رسالت آزادی و خوشبختی ایشان را بعهده گرفته است بدون شک مسیر جریان از دست دستگاہ بدر میرفت و این عملی بود که نباید بانجام میرسید.

با وجود همه این کار شکنی ها کار دانشجویان با شوق و حرارت بیشتری ادامه یافت دانشجویان از صبح زود تر مشغول شدند. در این روز درمانگاه پیش از دوپست مریض دید یاداروی رایگان دارد یاداروی بیمارستان هابستری کرد.

استراحتگاه اردو باغ فارسی بود و غذای مشکل غذایی روز قبل را داشت تعداد دانشجویان از ۳۰۰ نفر تجاوز می نمود.

### احساس مردم

آنچه در این روز جلب توجه می کرد احساس مردم بود که اندک اندک شکلی می گرفت تحیر و سکوت جایش را به شادی و هیجان می داد.

دو طرف نهر جمعیت موج میزد و اشتیاق در چشمها خوانده میشد و یگانگی و محبت به دانشجویان و مردم یکپارچگی می بخشید.

دانشجودست یاری بسوی این مردم دراز کرده بود و آنان با همه شمع خویش این دست را میفشردند آخرین ساعات کار روز جمعه با کوشش بی نظیری همراه بودند تا نیمه در لجن فرو رفته بود و دستهایی را که در کار ساختن بود تا بالای ساعد پوشیده از گل بود.

کار اردو آن روز ساعت ۲ پایان یافت.

### هراس

روزشنبه سازمان امنیت، پلیس، دولت و همه عوامل دستگاہ بهراسی افتاده بودند. کار دانشجویان بیش از آنچه تصور می شد عمق و عظمت یافته بود توطئه ها شروع شد و وقتی دانشجویان به محل اردو رفتند وسایل کار را در اختیار ایشان نگذاشتند.

گمان کرده بودند باین ترتیب دانشجویان خشمگین خواهند شد و عملی از آنها سر خواهد زد که بهانه برای مداخله آنان گردد و هنوز تمام نشده تعطیل شود. ولی دانشجویان با هشیاری و آگاهی توطئه را نقش بر آب ساختند و کار ادامه یافت.

در این روز نمایندگان دانشجویان با آقای دکتر فرهاد رئیس دانشگاہ ملاقات کردند و رئیس دانشگاہ در این ملاقات کار دانشجویان را ستود.

کار کادرفنی در این روز درخشان بود تعریض نهر پایان رسید لارویی ادامه یافت و کندن پی برای پایه گذاری پلها شروع شد. درمانگاه بیش از ۱۸۰ مریض دید.

### زنده باد دانشجویان

مردم کوشش می کردند احساس محبت آمیز خود را به شکل بدانشجویان ابراز دارند بآنها آب می دادند و برایشان چای می آوردند یکی از اهالی میگفت وقتی دانشجویان کلنگ میزنند خون آدم بجوش می آید. چطور ممکنست انسان بعد از ۱۵ سال تحصیل بیاید و عملگی کند و وقتی پاسخ سخنان خود را از دانشجویان شنید از ضعف اشک در چشمانش پر شد.

در وسط نهر کودکان تخته پاره ای را روی آب انداخته بودند و چوبی که روی آن بود کاغذی را حمل میکرد با خط بچگانه ای روی کاغذ نوشته بودند «زنده باد دانشجویان»

### زنده باد مصدق

جلو درمانگاه زنها بایکدیگر گفتگو میکردند که «ما خیال میکردیم اینها را دکتر امینی فرستاده است ولی حالا معلوم شد که اینها از طرف دکتر مصدق آمده اند پس زنده باد مصدق»

### دوقطب

امروز یکشنبه بود. سازمان امنیت، پلیس

امینی و اعوان و انصارش تهدید میکردند که باید کار تعطیل شود و در همین حال مردم جوادیه برای پذیرایی از دانشجویان بریکدیگر سبقت میگرفتند در حالی که فقر اجازه نفس کشیدن نمیداد بادل کاشده و دستی تنگ همه هستی خود را بیای دانشجویان میریختند حالا ملت دولت درد و قطب فرار گرفته بودند ملت همراه دانشجویان دولت دشمن دانشجویان آنچه از برنامه این روز اردو قابل طرح است یکی آمدن داریوش فروهر عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران که ساعت ۱۱ از اردو بازدید کرد دیگر اینکه پای یکی از دانشجویان زیر قسمت های تازه خراب شده یک پل رفت و انگشت پایش قطع شد.

### بیداری

امروز دوشنبه بود. تعداد دانشجویانی که در اردو کار میکردند از ۵۰۰ نفر تجاوز می کرده همه می کوشیدند همه کار میکردند چهره ها از تابش آفتاب قهوه ای شده بود. لارویی ادامه داشت. پایه های اول و دوم بطور کامل بی پایان رسید.

دو نفر از دختران دانشگده پلی تکنیک در آجرچیدن و مالیدن گل بایسران دانشجویان کمک می کردند و این برای مردم خیلی جالب بود.

انظار نظرها شکفتی و شادی بیش از حد به همراه داشت. جوادیه بیدار شده بود و این بیداری چون موجی سراسر این منطقه را فرا می گرفت کشتار گاه مبلغ معتنابی ازقبوض اعانه دانشجویان را خریداری کرد و صنف جگرکی از مسئولین اردو تقاضا کرد اجازه دهند دانشجویان را بناها را میهمان کنند.

عصر همین روز سازمان امنیت، شهربانی و بالاخره دولت به مسئولین اردو اطلاع دادند که فردا اجازه کار نخواهیم داد مسئولین اردو نیز اعلام کردند که مادر میان نهر به لارویی خواهیم پرداخت چتر باز و ژاندارم بیاورند و کار ما را مانع نشوند.

### دادگاہ اندیشه مردم

امروز سه شنبه بود. دکتر آذر عضو شورای مرکزی و عضو هیئت اجرایی جبهه ملی از اردو دیدن کرد و مقداری دارو به درمانگاه موقت اردو هدیه نمود. این نکته قابل ذکر است که در جریان اردو شرکت های دارویی مقدار زیادی دارو بدرمانگاه موقت اردو دادند که برایگان بین مردم توزیع گردید.

دکتر فرهاد رئیس دانشگاہ نهار را با دانشجویان صرف کرد و یکبار دیگر کار دانشجویان را تایید نمود.

آنچه در محوطه اردو جالب ترین نکته بود سخنانی بود که بین مردم ردوبدل میگردد در همه این سخنان کلماتی مشترک و آشنا وجود داشت مصدق جبهه ملی - دانشجویان - و در ذهن مردم چنان این کلمات بهم آمیخته بود که بصورت عناصری تفکیک ناپذیر از یکدیگر خود نمائی میکرد.

در میدان مبارزه در دادگاہ اندیشه های مردم پس کوجه های شهر دانشجویان پیروز شده بودند هم دوست وهم دشمن این پیروزی را احساس می کردند یکی از شوق می ستائید و آن دیگری از خشم دندان برهم می فشرد و چنگ تیز می کرد.

### مردم و رهبران مردم

امروز چهارشنبه بود فشار دستگاہ به حد نهایت رسیده بود و در همین حال احساس های آمیخته با محبت و شادی مردم بیداد می کرد.

کار دوپل نزدیک باتمام بود اما پل سوم که یک پل کامیون رو بزرگ بود هنوز خیلی کار داشت.

مسئولین اردو اعلام کردند که دانشجویان شب را تا صبح کار خواهند کرد. احساسات تحسین آمیز مردم اردو را در خود غرق کرده بود.

هر کس اندکی دقت میکرد در می یافت که چگونه میتوان با کار در میان مردم بیدارشان ساخت و بحقایقی که چون خورشید وجود دارد آشنایشان ساخت



## بقیه بنام ملت

بقیه از صفحه ۲

تنها با کار در میان مردم و برای مردم می توان مردم را به همراه داشت. این اگر بزرگترین درسی نبود که از مکتب جوادیه می شد آموخت بدون شك یکی از بزرگترین بود از جمله کسانی که امروز از اردو بازدید کرد کشاورز صدر سخنگوی جبهه ملی بود

نزدیک غروب لارویی نهر پاپیان رسیده بود و در مانگه در حالیکه آخرین ساعات کار خود را می گذرانید هنوز جمعیت عظیمی را منتظر داشت اما جوش کاری پلها ادامه می یافت و ساعات متعددی را در بر میگرفت ساعت ۱۰ شب هیئت اجرائی جبهه ملی ایران - الهیار صالح - دکتر صدیقی - دکتر آذر - دکتر امیرعلایی - کشاورز صدر - باقر کاظمی از اردو دیدن کردند.

دوئل پایان یافته را با عبور از روی آن افتتاح نمودند و الهیار صالح از سوی هیئت اجرائی مراتب تحسین و تشکر کادر رهبری را به سر بازان جبهه ابلاغ نمود و دستور پایان کار برای فردا ظهر داده شد.

مردم جوادیه در خانه خود از هیئت اجرائی جبهه ملی ایران پذیرائی کردند

اگر اندکی دقت میکردید رهبران مردم بی هیچ مانعی در میان مردم بودند

ساعت ۱۱ هیئت اجرائی در میان کف زدنهای دانشجویانی که تاصبح در اردو میماندند و مردمی که آن ساعات نیز حضور داشتند جوادیه را ترک گفتند

**مصدقی ها**  
با آنکه ساعت از نیمه شب گذشته بود مردم در کوچه و کنار نهر با تحسین و شادی بکار دانشجویان می نگرستند اردو پیروز شده بود سکوت شکسته بود همه مردم میدانستند اینها سر بازان جبهه ملی هستند که برای آنها پل می سازند این گویاترین جمله ای بود که هر کس برای دیگری میگفت اینها «مصدقی ها» هستند

مردم برای دانشجویان شام آوردند خانه هایشان را خانه های کوچک و محقرشان را در اختیار دانشجویان گذاشتند تا اندکی در آن استراحت کنند.

دانشجویان نیز همچنان بکار ادامه دادند آهن ها سرعت بیگدیگر جوش می خورد و کار بیابان نزدیک میشد.

در سکوت شب فرصت بود که انسان بیاندیشد و دریابد که اردو در این مدت حوادث فراوان بخود دیده است. فشار سازمان امنیت، پلیس، دولت و بالاخره آمدن عناصر کثیف و آبرو باخته ای نظیر دکتر شیفته رهبر سازمان باصلاح هدایت جوانان نصر شهر در تهران - پسر امینی - اینها در روزهای مختلف آمدند تا اردو و کار دانشجویان را به بیخند و هنوز نیامده و ادار بترک محوطه اردو شدند. زیرا دانشجویان همچنانکه رهبران خود را با شادی می پذیرفت وجود چنین عناصر کثیفی را در محوطه اردو نمی توانست تحمل کند

**پلهای پیشرو**  
ساعت ۱۱ روزه شنبه ۲۰ اردیبهشت کار ساختن پلهای پایان یافت

مردم و دانشجویان روی پل بزرگ سوم که بدست دانشجویان و برای مردم ساخته شد گرد آمدند و با احساسی شگرف که در قالب هیچ کلمه یا جمله ای نخواهد گنجید پل را افتتاح کردند

فریادها بلند شد، اوج گرفت و در فضا پخش شد و پلهای بنام «ملت» بخاطر «قانون» و برای «آزادی» افتتاح گردید

اعلامیه تودیع دانشجویان بخش شد و دانشجویان در حالیکه قلب مردم جوادیه را تسخیر کرده بودند و فریادهای شوق آمیز آنها را به همراه داشتند جوادیه را ترک گفتند

دانشجویان پلهای پشت سر را خراب کرده و پلهائی برای راه پیشرو ساختند پلهائی برای پیروزی جبهه ملی

## بقیه کارنامه

روان گردید اما نه در آمد نفت بسود ملت بگردش در آمد و نه کمکهای خارجی اقتصاد ما را تثبیت کرد بلکه بیلانی را که میتوانیم از دوره اول حکومت کودتای یعنی هنگام زمامداری این سر لشکر باز نشسته بر شماریم از یکطرف عبارت خواهد بود از غارت هر چه بیشتر خزانه مملکت و انتقال آن بضرافیهای خارج، خرید باغ چند میلیون دلاری در زنوو از طرف دیگر سلاخی مردم کشور ما. بمناقصه! گذاردن سرمایه های زیر زمینی کشور اینست بهشت موعود کودتایچیان. زاهدی بیباغ بهشتی خود در سوئیس سفر کرد و علاء این باصطلاح مغز متفکر هیات حاکمه بر مستند نشست این زمان بزعم هیات حاکمه معضل کشور ما فساد بود مبارزه با فساد بدست کسی آغاز شد که خود بهترین مروج این پدیده بود بطور خلاصه نتیجه درخشان این کوشش عبارت بود از ازدیاد بیش از حد فحشاء، جنایت، خود کشی، مهاجرت و ظهور پدیده نوظهور هروئین و بخش و توزیع آن وسیله افراد شناخته شده ای در میان جوانان بدین ترتیب مبارزه با فساد خاتمه یافت،

هیات حاکمه ب فکر نجات اقتصاد مملکت افتاد بنا بر این لازم بود عنصر جدیدی بر کرسی وزارت تکیه زند این مهره اقبال بود ثمره حکومت این چاکر استان های استعماری از نظر داخلی جز سکوت مرگبار کارخانه ها تبدیل سر زمین مسا بچراگاه سرمایه های خارجی نبود درهم شکستن سنن ملی و عزت نهادن بر خصوصیات بیگانه یکی دیگر از مختصات این دوره از حکومت کودتا بود.

رواج تملق و چاپلوسی در این زمان بعد شیاع رسیده، دزدی و ارتشاء در زیر سر پوش لغاتی چون چاکر جان نثار و غلام خاک زاد پیدا میکنند. از قانون اساسی فقط لفظی باقیست تا بجائی که جایز است انسان بر دوره محمد علی شاهی رحمت فرستد از نظر خارجی ملت ما تا گلو در میان تعهدات اسارت بار و قروض کمر شکن دست و پا میزند. حیثیت سیاسی مملکت در میدانهای بین المللی از برکت سر این رجال آزموده! بدرجه قابل تاسفی تنزل مییابد، این دوره هم با نتایج بالا سپری شد.

حالا نوبت شریف امامی است. شلیک بسوی معلمین بر کردن زندانها از دانشجویان هم وظیفه شریف (!) ایشان بود.

اکنون آقای امینی صدراعظم است از مجلس، مشروطه و قانون خبری نیست فقر همچنان بیداد میکند قدرت خرید افراد ملت بعد اقل با بصر

رسیده ولی در عوض بلند گوها بدون وقفه کار میکنند و وعده پشت وعده گوش ملت ستم دیده ما را آزار میدهد.

فعالیت نمر بخش فرهنگی این دولت یورش به دانشگاه، غارت و چپاول آزمایشگاهها، درهم ریختن کتابخانه ها و کشتار و ضرب و جرح دانشجویان و دانش آموزان بود. فشار سازمانهای پلیس بر مردم معترض روز افزون و زندانها از آزاد مردان مملو است.

باتوجه به بیلان حکومت ۸ سال و چند ماهه کودتا این سؤال پیش می آید که آیا باز هم میتوان مهره تازه ای را بجای مهره قبل نشانید و از آن انتظار عمل مثبت داشت؟

باین پرسش ما با قدرت پاسخ منفی میدهم و معتقد هستیم که تا مناسبات کودتائی در کشور ما باقی است فقر و جهل همچنان وجود دارند زیرا این دو پدیده را مولود چنان مناسباتی می شناسیم. بنا بر این تا درهم شکستن این مناسبات و استقرار حکومت ملی و قانونی مبارزه ملت ما همچنان ادامه خواهد داشت.

## بقیه زندانی سیاسی

برای روشن شدن وضع آنها بعمل نیآورد.

دوستان و مبارزینی که در زندان بسر میبرند عبارتند از:

دکتر سنجابی استاد دانشگاه - دکتر بختیار - دکتر خنجی (اعضای شورای مرکزی جبهه ملی) - ارفع زاده - اکبری - بنی صدر - پارسا - جزئی - جفرودی - دکتر حجازی - خارقانی - دستغیب - زر کشوری - سلامتیان - شیبانی - طیبانی - ظریفی - لباسچی - مرعشی - نراقی - نظام زاده - یسایانی

در شیراز و مشهد نیز گروهی از اعضاء جبهه ملی در زندانها بسر میبرند و کوچکترین اقدامی برای روشن شدن وضع آنها بعمل نیامده است.

درود آتشین ما مبارزان دلیری که برای مبارزه بخاطر آزادی و استقلال ملی وطن خود در زندانهای حکومت دست نشانده استعمار بسر میبرند.

## توضیح در باره یک خبر

در شماره گذشته پیام دانشجو خبری از خبرگزاری فرانسه در باره تظاهرات و اظهار تنفر دانشجویان بر علیه دکتر بقائی درج شده بود.

پس از انتشار این خبر آقای دکتر بقائی متن خبر را با اظهار نظری بصورت اعلامیه چاپ کردند و منتشر ساختند. آقای دکتر بقائی ابتدا توجه خواننده را باین جمله از خبر جلب میکنند «در نتیجه تظاهرات دانشجویان دکتر بقائی نتوانست تدریس نماید و دانشکاه را ترک کرد» سپس در اظهار نظر می نویسند: «این پیام صدر صد صحیح ارکان دانشجویان جبهه ملی را ما بعنوان هشت نمونه خروار منتشر میسازیم تا دانشجویان بیدار دانشکاه مخصوصا دانشجویان دانشکده

# زندانیان سیاسی جبهه ملی ایران را آزاد کنید



## بقیه الجزائر

شنیده و خوانده است ترکیب شده و این مجموعه را پدید آورده است حکومت‌های قلدر قلم‌ها را می‌شکنند و اجازه نمیدهند درباره آنها نکته‌ای نوشته شود درین حال که آزادی‌های اساسی از مردم سلب میشود دیگر آزادیخواهی بدون رنج و تعب نیست. نویسندگان بدو دسته تقسیم میشوند جمعی برای آنکه از راه قلم نان بخورند و از مزایای نویسنده بودن برخوردار باشند بشرح و احوال رفاصکان و چگونگی عشق بازی و ازدواج و طلاق و زایمان هنرپیشگان اروپا و آمریکا میپردازند و با درحد بالاتر از نسب نامه شاعری گمنام در قرون سالفه سخن میگویند و جمعی دیگر بشرح مبارزه مردان مجاهد میپردازند و با روشن بینی و مهارت «سردلیران» را در حدیث دیگران می‌گویند و شاید نویسنده کتاب «الجزائر و مردان مجاهد» از افراد نادراین گروه باشد

بیشوای زندانی ملت دکتر مصدق در طی نامه‌ای همین مطلب را بمولف یاد آورده است. «متأسف بودم از اینکه اوضاع مملکت اجازه نمیدهد که این قلم شیوا در نفع مملکت بکار رود این هم بد نیست و خواسته‌اید برسانید مملتی هم است که در راه آزادی و استقلال از همه چیز می‌گذرد دیگران هم اگر علاقه بوطن دارند باید از همین راه بروند و آنرا انتخاب نمایند»

آقای صدر بر کتاب خود مقدمه‌ای نوشته‌اند، در مقدمه بحثی درباره کلیتالیسم و نئو کلیتالیسم کرده‌اند. نئو کلیتالیسم یا استعمار نورا «شکل تازه و روپوش دار کلیتالیسم یعنی ابوالهول پرده نشین یعنی نیرنگ قرن بیستم سرمایه داری (که) در بسیاری از مختصات با استعمار معمولی هم دست و هم داستان است» معرفی کرده‌اند

در متن کتاب که با عنوان «ملت فرانسه و استعمار» آغاز میشود از مبارزه خونین مردم قهرمان الجزیره که در روز اول نوامبر ۱۹۵۴ با سه هزار جنگجو شروع شد و در حال حاضر ۱۸۰ هزار تن جنگجو دارد، نحوه مبارزه برخی قهرمانیها و فداکاریها، دور بینیها و صداقتها و نیز سیاست بازی فرانسویان گفتگو شده است

میدانیم که خطوط اصلی بیشتر مبارزات یکسان است در هر مبارزه صداقت و صمیمیت داشتن برنامه و هدف اصولی بودن و بی‌جهت در دام احساسات و عواطف نیفتادن. روشن بینی ایثار و ترک خودخواهی و اطاعت از رهبری شروط اصیل و اساسی است از این روست که مطالعه تاریخ نهضت‌ها و قیام‌ها برای مبارزه راه آزادی از واجبات است. کتاب الجزائر و مردان مجاهد هم نظر باینکه شخصی مولف خود نیز آگاه یا ناخود آگاه آنرا با توجه خاص بجزایر مبارزه ملت ما تدوین کرده است کتابی آموزنده است.

مولف آنچه را در این قیام پرشکوه اصیل و اساسی دیده است متذکر میشود و واضح است در هر مبارزهای این نکات اساسی باید مورد توجه قرار گیرد انضباط شدید و مبارزه با زور گویان آدمی را بزرگ و بزرگتر میسازد تشکیلات دقیق و قوی سر موفقیت و پیروزی است

در الجزیره این سازمان قوی ارتش آزادیبخش است «ارتش آزادیبخش چون بوته امتحان نیست که دستجات کارگرو کشاورز و دانش آموز و دانشجو و شاعر و نویسنده و روشنفکر را بهم پیوسته و این قهرمانان را با انضباط میدان جنگ بار آورده است» ص ۸۹. تاحدی که در این قیام «سرك از مخاطرات پیش پا افتاده» تلقی میشود و در نبردی که ملت الجزایر برای «دفاع از شرف و آزادی و آزادی» می‌کند «سرك از صلابت و استقامت آنها میترسد و میگریزد» ص ۸۸

مولف براهی که استعمارگران قرن بیستم برای حکومت بر ملتها می‌پیمایند توجه کرده است می نویسد «استعمار قبل از همه چیز عقل و شعور و تربیت دماغی ملتها را هدف قرار میدهد» «میدان عمل استعمار اعم از کهنه و نو منحصراً کشورهای عقب مانده یا بهتر بگوئیم عقب نگاه داشته شده است. درین قبیل کشورها که بیش از ۸۰ درصد مردم... از خواندن و نوشتن زبان مادری محرومند نیروی مقتدر و موثر استعمارگران صنعتگر و ثروتمند باسانی میتواند نفوذ کند و دارائی آنها را به یغما ببرد و در جهل و فقر و اسارت نگاهدارد» ص ۶۳

با اینهمه استعمار نو اصراری ندارد که خود حاکم باشد نو گران معمولی و ماموریت اینکار را بعهده دارند. بطور خلاصه «استعمار نو هیچگاه ملتا خود را در مستحکم رانی و زور گوئی نشان نمیدهد، بلکه زعمای حکومت و وسائل تبلیغاتی او، از این بهکانه بنام خیر اندیش و دوستی که گاه قرض میدهد و گاه کمک مجانی میکند یاد می‌کنند» ص ۶۴

در جای دیگر نویسنده یکی از اصول اساسی پیروزی قیام‌ها را که در الجزیره نیز از آن تبعیت شده است چنین بیان میکند:

«... بنظر من یکی از موجبات توفیق و نیرومندی هر نهضتی، نظامی یا سیاسی مسلح یا غیر مسلح سراحت و قاطعیت نهضت و علاوه بر صداقت و صمیمیت جسارت و بی‌پروائی رهبران و پیشوایان نهضت است هیچ قیام و انقلابی با مدهانه و محافظه کاری و باری بهر جهت کردن موفق نشده و نخواهد شد.» ص ۸۹-۹۰

مردان و زنان آهنین اراده در قیام الجزائر فراوانند محمد رهبری بن مهدی یکی از آنهاست که «چندین ماه پلیس بخاطر دست یافتن بر اسرار گرانپهائی که محمد رهبری از تشکیلات سری جبهه ملی و تجهیزات پنهانی و نام و نشان هم‌دستان و همکاران خود در سینه داشت با او دست بگریبان بود، آخر کار بناچار دست بشکنجه‌های وحشیانه زد تمام پوست سر این شجاع مظلوم را بر آوردند باز سخن نگفت، آنکامیله‌ای در آتش چنان گذاختند که سفید شد میله رادرها و حلق او فرو بردند و او را باین کیفیت شهید کردند.» ص ۱۰۷

فداکاریها و دلاوریها نتیجه داد و الجزائر در مبارزه خویش پیروز شد. کتاب حسن صدر نیز همزمان با این پیروزیها منتشر شده خواندن آنرا بجهت مبارزان جبهه ملی توصیه میکنیم امیدواریم قهرمانی الجزایر بمانند همراه بانگه‌سنجیهای حسن صدر در دل دوستان مامور افتد و راه پر افتخاری را که در پیش دارند با صلابت فراوانتر پیمایند.

## بقیه توضیح برای يك خبر

ادبیات بدانند که تفاوت‌ها از کجا تا کجا است» برای اطلاع آقای دکتر بقائی یاد آوری میکنیم: اولاً - ما این خبر را بدون هیچگونه تفسیری عیناً از خود خبرگزاری فرانسه نقل کرده‌ایم و متن ماشین شده خبر با مارک رسمی خبرگزاری موجود است ثانیاً - ممکن است خبرنگار خبرگزاری فرانسه در اینکه پس از اظهار تنفر دانشجویان بسر کلاسی نرفته‌اید دچار اشتباه شده باشد ولی در اینکه اظهار تنفر شدید از طرف دانشجویان نسبت بشما بعمل آمده حرفی نیست و شمام در باره این اظهار تنفر تذکری نکرده‌اید.

ثالثاً - خیال آقای دکتر بقائی کاملاً راحت باشد که دانشجویان دانشکده ادبیات و دانشجویان بیدار دانشگاه مدت‌هاست که دانسته‌اند «تفاوت‌ها از کجا تا کجا است» والسلام نامه تمام.

برای توجه همه مبارزان  
جبهه ملی ایران

## نیرنگهای جدید پلیس

اوج مبارزات آزادیخواهان ملت ما از تنرمه ۳۹ باعث شد که محیط پرسوء ظن و عدم اعتمادی که در مدت ۷ سال حکومت کودتا بوجود آمده بود تا حدود زیادی از بین برود. نزدیکی و اعتماد افراد و نیروهای ملی بهم از پیروزیهای عمده این دوره از مبارزه است زیرا دستگاہ حاکمه با ایجاد محیط پرسوء ظن و عدم اعتماد همیشه میکوشد که تشکل مردم وطنخواه گردد و سازمانهای گوناگونی برای رسیدن باین هدف از قبیل سازمان امنیت و غیره ایجاد کرده است، اگرچه تفاهم و اعتمادی که بوجود آمده بیشتر در قشر روشنفکر کشور است ولی با وجود این دستگاه از این مسأله سخت بو حشمت افتاده است چه همیشه تشکل و اعتماد و اتحاد مردم برای حکومت‌های استبدادی ضد ملی بمنزله اعلام مرمک و نابودی است در چندماه اخیر دیده شده است که سازمان جاسوسی امنیت برای ایجاد محیط سوء ظن و عدم اعتماد بویژه بین دانشجویان بشایبه سازی درباره عده‌ای از بهترین و مبارزترین دوستان ما پرداخته است. از طرف دیگر در بعضی از بازجوئیها و تماسهایی که با افراد مختلف از طرف سازمان امنیت گرفته میشود این مسئله مطرح میگردد که ما اطلاعات خود را از (رفیق پهلو دستی) و دوست همسفره گرفته‌ایم

آنچه گفته شد این مسئله را نفی نمیکنند که ممکن است سازمانهای پلیسی مامورین خود را در لباس انسانهای شرافتمند و مبارزی پنهان کنند و به میان ما گسیل دارند، ولی تجربه نشان داد که این افراد خیلی زود در عمل شناخته میشوند و چهره واقعی آنها خیلی زود آشکار میشود

طبیعی است برای هر سازمان سیاسی و از جمله جبهه ملی ایران پاك بودن صفوف آن از مزدوران دشمن مسئله‌ای اساسی و مهم است ولی در این مورد باید همه دوستان و مبارزان جبهه ملی با هوشیاری و متانت کامل رفتار کنند دامن زدن بشایعات بی‌اساسی که بوسیله خود پلیس ایجاد میشود پلیس در رسیدن بهد فهایش کمک میکنند. ما مطمئن داریم که اینبار نیز دوستان ما با هوشیاری و متانت با نیرنگ جدید پلیس بمقابله برخوانند خواست